

مقایسه دیدگاه مدیریت مالی و حسابداری در زمینه

«استهلاک»

با برداشتی از:

کتاب «مدیریت مالی» تألیف دکتر حسین عبده تبریزی

● مجید میراسکندری

اشاره:

چندی پیش کتاب با ارزش «مدیریت مالی» تألیف آقای دکتر حسین عبده تبریزی را همراه با نامه ای که مؤلف محترم در آن خواستار نظریات انتقادی در مورد کتاب شده بودند، دریافت کردم.

بینشی این گونه مبتنی بر سعه صدر و روحیه ای چنین انتقادپذیر نسبت به کار خود، در این روزگار آنقدر نامنتظر است که نگارنده را، بویژه از این رو که سزاوار و درخور چنین داوری دانسته اند، به تحسین و سپاس نسبت به مؤلف محترم وامی دارد.

مقاله ای که در پیش رو دارید به بهانه انتشار کتاب فوق و برای بررسی بیشتر موضوع استهلاک از دید حسابداران از یک طرف و متخصصان مالی از طرف دیگر نگاشته شده است. امیدوارم کوشش حاضر در نزدیکتر کردن دیدگاه گروه دوم به گروه اول مؤثر باشد.



به نتایج جالب توجه و گاه شگفت آور و بحث انگیز می انجامد. این گونه بازنگری، در عین آنکه به سلامت فکر و منطق کمک می کند، موجب جا

«بازنگری بنیادی و انتقادی آنچه جزو «بدیهیات» تلقی می شود، یا تلاش در حل مسائلی که «حل شده» به نظر می رسد، در بسیاری موارد



مدیریت مالی و حسابداری

گرفتن و قوام مفاهیمی می شود که موضوع بازننگری است^۱».

ضمن مطالعه کتاب مدیریت مالی تألیف آقای دکتر عبده به مطالبی درخصوص استهلاک برخوردیم که به علت تکرار و تأکید در سراسر کتاب و مغایر بودن آن با مفهوم استهلاک در حسابداری، لازم دیدم دست به شکافتن آن بزنم، حتی اگر «بازنگری انتقادی آنچه جزو بدیهیات تلقی می شود» و «یا تلاش در حل مسائلی که حل شده به نظر می رسد»، باشد.

«استهلاک» از دید حسابداران^۲

۱- هزینه استهلاک عبارت است از آنچه در طول یک سال، خواه به دلیل استفاده و خواه به علت گذشت زمان یا پیشرفت تکنولوژی از قیمت دارایی ثابت، کاسته می شود؛ و ایجاد حسابی به نام «ذخیره استهلاک» برای آن است که ضمن نشان دادن کاهش سالانه در ارزش دارایی، همواره قیمت تمام شده آن را نیز مشخص کنند.

۲- حسابداران «ذخیره استهلاک» را در طرف بدهکار ترازنامه عملاً از قیمت تمام شده دارایی کسر می کنند یا دارایی ثابت را پس از کسر استهلاک به صورت خالص نشان می دهند، درست مانند «ذخیره مطالبات مشکوک الوصول» که آن را نیز در طرف بدهکار ترازنامه از مانده حساب «بدهکاران» کسر می کنند.

۳- با ثبت هزینه استهلاک در حساب سود و زیان سالانه و بستن کار کردن حساب ذخیره استهلاک، عملاً وجهی برای جایگزینی داراییهای مستهلک شده تأمین نمی شود. اگر شرکتی بخواهد وجهی را به این منظور فراهم کند، باید هر ساله

ورق بزنید

۱- پ. ۱، جواهری، حسابدار شماره ۱۸ - فروردین ۱۳۶۵ صفحه ۳۷.

۲- ذکر این دیدگاهها برای مقایسه با دیدگاههای «مدیریت مالی» است و البته ممکنست برای حسابداران، خسته کننده باشد، و دراین صورت از قبل پوزش می طلسم.



مدیریت مالی و حسابداری

مبلغی معادل یا بیشتر از هزینه استهلاک دارایی ثابت را عملاً از «سرمایه در گردش» خود خارج کند و به مصرف خرید سهام، اوراق بهادار یا حتی ایجاد سپرده بانکی برساند تا اصل و فرع این سرمایه گذاری در پایان مدت عمر مفید دارایی، جهت خرید و جایگزینی دارایی جدید کافی باشد. در این حالت عین مبلغ را در حساب تقسیم سود، بدهکار و در حساب «اندوخته وجوه استهلاکی» بستانکار می کنند^۴. البته این اندوخته، اگر به وجود آید، در قسمت حقوق صاحبان سهام ترازنامه جای خواهد گرفت.

۴- اضافه کردن هزینه استهلاک به سود شرکت در هنگام تهیه «صورت تغییرات در وضعیت مالی» برای به دست آوردن منابع شرکت، صرفاً به دلیل غیرتقدی بودن آن است، درست همان طور که سایر هزینه های غیرتقدی را نیز به سود شرکت برمی گردانند. البته نگارنده اعتقادی به معنادار بودن رقمی که از جمع سود و هزینه های غیرتقدی حاصل شود و نیز به مفید بودن کل صورت یاد شده، ندارد.

«استهلاک» از دیدگاه مدیریت مالی

۵- استهلاک از منابع وجوه است- «منابع وجوه داخلی عبارتند از سود تقسیم نشده و مازاد، اندوخته ها، استهلاک و امانات آنها و منابع وجوه خارجی عبارتند از وامهای بلندمدت بانکی، وامهای رهنی، انتشار اوراق قرضه، انتشار سهام عادی و ممتاز و مشابه آنها».

«محاسبه هزینه بعضی اجزای بافت سرمایه بس دشوار است: مثلاً محاسبه هزینه سود تقسیم

۳- اتفاقاً این رویه مورد مخالفت شدید مدیران مالی است زیرا این عمل به معنای آن است که سرمایه گذاری وجوه در خارج از شرکت، سودآورتر از نگهداری و استفاده از آن در داخل شرکت است و این خود بهترین دلیل برای صاحبان سهام در مورد تعویض هیئت مدیره است!

۴- صفحه ۷۰ بند سوم، سطر هفتم.

نشده، وجوه حاصل از ذخیره های استهلاک و غیره...»^۵.

«یکی از مهمترین، اگر نخواهیم بگوییم مطلقاً مهمترین، منابع وجوه که شرکتها در صورتهای منابع و مصارف خود نشان می دهند ذخیره استهلاک است. آیا این وجوه رایگان در اختیار شرکت است یا هزینه دارد؟ در محاسبه هزینه سرمایه شرکت باید بدان توجه کرد یا آن را نادیده انگاشت؟»^۶.

۶- استهلاک حالتی شبیه اندوخته دارد- «اگر شرکت ترجیح دهد، وجوه حاصل از استهلاک را می توان بین سهامداران و طلبکاران شرکت توزیع کرد، یعنی بین کسانی که داراییهای شرکت را تأمین مالی کرده اند. برای مثال، اگر ده میلیون تومان از محل ذخیره استهلاک در اختیار شرکت باشد، شرکت بین توزیع این مبلغ و سرمایه گذاری مجدد آن مختار است.....»

۵- صفحه ۱۱۶ بند آخر.

۶- صفحه ۱۱۹: ج- هزینه وجوه حاصل از استهلاک Depreciation - generated funds

این عبارت انگلیسی نشان می دهد که نویسندگان مدیریت مالی در فرنگ نیز چنین دیدگاهی دارند.

اما اگر نرخ بازده داخلی سرمایه از هزینه سرمایه بیشتر باشد، وجوه می باید در داخل شرکت نگهداری شود.....»^۷.

۷- ذخیره و اندوخته از یک جنس تلقی می شوند- «در مورد هزینه وجوه حاصل از استهلاک باید توجه داشت که آنچه شرکت های ایرانی به عنوان ذخیره استهلاک در سالهای اخیر کنار گذاشته اند بسیار جزئی بوده و با توجه به قیمت های جایگزین بالا تر به هیچ وجه پاسخگوی نیازهای سرمایه ای شرکتها نیست. ماشین آلات جدید با ارزهای صادراتی، ترجیحی، رقابتی و آزاد، باید تهیه شود، در حالی که ذخیره استهلاک بر اساس قیمت دفتری تاریخی داراییها، جایی که داراییها عمدتاً با ارز دولتی خریداری شده، محاسبه و کنار گذاشته می شود. می بینیم که در این شرایط، میزان این نوع وجوه دریافت سرمایه شرکت دیگر اهمیت زیادی ندارد. در عوض سرفصلهایی چون: ذخیره مزایای بازخرید کارکنان، ذخیره مالیات و انواع اندوخته ها، در ترازنامه های شرکت های ایرانی به چشم می خورند که ضرایب آنها را دریافت سرمایه می باید وارد کرد و در محاسبه نهایی هزینه سرمایه، هزینه آن اجزا را منظور کرد»^۸.

«غیر از اینها، دریافت سرمایه شرکتها می توان وجوه حاصل از ذخیره استهلاک و دیگر ذخیره ها و نیز انواع اندوخته ها را یافت»^۹.

جمع بندی در مورد استهلاک

۸- دیدگاه مدیریت مالی از «استهلاک» دیدگاهی، دقیق، تکنیکی، منسجم و منطقی نیست. نگارنده به عنوان حسابدار معتقد است که این دیدگاه از جنبه کاربردی قابل اتکا نیست و با واقعیت انطباق ندارد. و تجدیدنظر در آن، دست کم با توجه به شرایط ویژه ایران ضروری است.

۷- صفحه ۱۱۹: همانجا، دنباله.

۸- صفحه ۱۲۳، سطر آخر به بعد.

۹- صفحه ۱۲۵، سطر ۵.

سایر موارد:

بجز آنچه درباره یکی از مفاهیم به کار رفته در کتاب مدیریت مالی گفته شد، اشاره به برخی مطالب و یافته های دیگر در کتاب نیز خالی از فایده نیست.

واژه های جدید

۹- کاربرد برخی معادلهای جدید برای واژه ها و اصطلاحات انگلیسی را می توان «درخشان» نامید، مثل «ثمر» به جای «Yield»، «توازی» به جای «Trade-off» و «شنسار» به جای «Floatation». برخی ترکیبهای تازه خیلی بهتر از گذشته است، مثل «هزینه گذشت^۱» به جای «هزینه فداکاری»، هزینه فرصت از دست رفته» و نیز «روندیابی» به جای «تجزیه و تحلیل روند».

شکالات کتاب

۱۰- کتاب واژه نامه فارسی و انگلیسی دارد ولی کامل نیست. دست کم می بایست توضیحات مربوط به اصطلاحات کتاب، در پانوشته صفحات مربوط و در واژه نامه آخر کتاب می آمد، مثل ترکیبهای «اسناد خزان» و «اوراق خزان» که به ترتیب در صفحات ۹۱ و ۸۲ به کار رفته، ولی نه در جای خود و نه در واژه نامه پایان کتاب برای آنها

۱۱- در مورد هزینه گذشت **Opportunity Cost** در صفحه ۷۹ چنین می خوانیم: «اگر مدیریت تصمیم بگیرد سود را تقسیم نکند، در این صورت صاحب سهم فرصتی را از دست داده و از این فرصت گذشته است؛ اومی توانسته سود سهم را گرفته و به کاری دیگر بزند؛ سهام بخرد، اوراق قرضه بخرد، ملک بخرد و یا در دارایی بلندمدت دیگری سرمایه گذاری کند. پس، شرکت باید از سود تقسیم نشده حداقل همان قدر عایدی نصیب سهامدار بکند که اگر سهامدار خود پول را در سرمایه گذاری ای با خطر مشابه گذاشته بود، عایدی می برد.»



به جای «مانده» به صورت «موازنه» ترجمه شده است.

- در صفحات ۲۰۷ و ۲۱۳ **stock** (که در معنی سهم یا سهام جمع بسته نمی شود) به صورت جمع (**stocks**) ضبط شده است که معنی غیرمرتبطی دارد.

- در صفحه ۱۵۶ - سطر اول از بند ۲- در عبارت «شرکت صنعت آفرینان از محدود شرکتهای تولیدی بزرگ.....» به احتمال زیاد، اشتباه چاپی «محدود» را به «محدود» بدل کرده است.

- در صفحه ۱۱۴ - در عبارت «مثال شرکت توانساز را اندکی تعمیم می دهیم». بهتر بود به جای «تعمیم»، واژه «گسترش» به کار می رفت.

دنباله صورت جریانهای نقدی

مالی) مزایای حاصل از به کارگیری صورت جریانهای نقدی افزایش باید. اگرچه این تحقیق نشان داده است که مفید بودن صورت جریانهای نقدی افزایش زیادی داشته و از این بابت جای نگرانی نیست. اما معتقدیم که می توان آنرا بازم بهبود بخشید. در حال حاضر کمتر از ۵ درصد از شرکتهای برای مقاصد گزارشگری از شکل مستقیم استفاده می کنند. مدیرانی که به گزارش کردن اطلاعات واضح و قابل فهم علاقه مندند برای تجربه کردن روشهای جایگزین حسابداری (شامل روش غیرمستقیم) انگیزه دارند. نتایج این تحقیق برای صاحب نظران حسابداری بسی خوشایند است.

عضو گرامی

سرکار خانم شهرزاد آیرملو

مصیبت وارده را از صمیم قلب تسلیت می گوئیم.

انجمن حسابداران خبره ایران

شرح یا معادلی ارائه نشده است.
۱۱- آوردن مثالهایی در مورد وضع چندسئله اخیر ایران در متن (مثلاً صفحه ۷۵ یا ۸۴) کتاب را به سطح تشریفات فاقد اعتبار کافی نزدیک می کند؛ در این گونه موارد و در صورت لزوم بهتر آن است که از پانوشته استفاده شود مانند صفحات ۹۰ و ۹۲.

۱۲- اشتباهات چاپی و غیرچاپی به نسبت حجم کتاب، زیاد است (حداقل ۱۸ مورد) و این از نفاست آن می کاهد. مایلیم دریابان، به خواست مؤلف محترم، برخی اشتباهات اصولی کتاب را یادآور شوم، چرا که مؤلف خود از سختگیرترین مترجمان است و در استفاده از واژه های معادل، وسواس بسیار دارد:

- در صفحه ۲۰۸ - واژه **balance** در عبارت **double declining balance method**